

\* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضاء در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب..... با شماره داوطلبی..... با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره سندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخنامه و دفترچه سؤالات، نوع و کدکنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخنامه ام را تأیید می‌نمایم.

امضاء:

- ۱- کدام گزینه می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیشتری از واژه‌های زیر باشد؟  
 «شبه، بعینه، بسنده، ویله، فراز آمدن، گبر»  
 (۱) نظیر، شایسته، زره، دلاور  
 (۲) مانند، کافی، ناله، کم عقلی  
 (۳) عیناً، آراسته، حصار، نوعی لباس جنگی  
 (۴) مانند، کامل، نزدیک آمدن، خفتان
- ۲- معنی چند واژه درست است؟  
 (زایل شدن: برطرف شدن) (استحقاق: شایسته) (افسر: صاحب منصب) (نهیب: هیبت) (نوند: اسب رنجور)  
 (هنر: معرفت) (برافراختن: روشن کردن) (بر اثر: رد پا) (خایب: بی بهره) (راه تافتن: تغییر مسیر دادن)  
 (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت
- ۳- در همه گزینه‌ها معانی واژه‌ها «تماماً» درست است؛ به جز:  
 (۱) اندیشه: اندوه (طاق: بی همتا) (عیار: معیار)  
 (۲) تلقی: نگرش (تعبیر: بازگویی) (تعلل: اهمال کردن)  
 (۳) مدام: می (بازیسته: پیوسته و مرتبط) (سوء هاضمه: بدگواری)  
 (۴) انبساط: خودمانی شدن (جسیم: صاحب جاه) (معاملت: اعمال عبادی)
- ۴- در متنی زیر، چند «غلط املائی» وجود دارد؟  
 «پس غیاث مولانا سعدالدین عین صواب است که عقل را مقدم داشت و وسیلت غربت حق دانست و داعی مخلص را به عین رضا نظر کرد. خداوند زوالجلال است و اگرامش در حصر نمی‌آید.»  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
- ۵- در کدام عبارت «غلط املائی» یافت می‌شود؟  
 (۱) دوستان دو نوعند: اول آن که به صدق رقیب و طوع دل به موالات گیرند و دوم آن که از روی اضطرار مصاحبت نمایند.  
 (۲) هرکجا کرمی شامل و مروّتی شایع است طبع از اهمال حقوق نفور باشد و همّت بر گزارد موجب آن مقصور.  
 (۳) آنچه شرایط آداب خدمت ملوک است، خدم و حشم در مسالک و مدارج آن می‌باید قدم نهند.  
 (۴) غایت معرفت هرکس مقام انقطاع اوست به وجد از ترقی. بیابان این ورطه از چه می‌پرسی؟
- ۶- در میان گروه واژه‌های داده شده، «چند غلط املائی یا رسم الخطی» به چشم می‌خورد؟  
 «افراط و تفریط، صنف و گونه، التهاب و برافروخته‌گی، عنایت و توبه، انبان دباقی شده، بارع و حصار، بدقواره و ناموزون، بذله‌گو و شوخ طبع، بطالت و بیهودگی، صیغه بلغت، بزم و ظیافت، بردمیدن و برخواستن، عرصه بین‌المللی، به تعویق انداختن و اهمال کردن»  
 (۱) شش (۲) هفت (۳) هشت (۴) نه
- ۷- ابیات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟  
 الف) عشق بازی کار بیکاران بود  
 ب) جهد بر توسست و بر خدا توفیق  
 (۱) بیدل دهلوی، نظامی گنجوی  
 (۲) نعمت الله ولی، سنایی  
 (۳) صائب تبریزی، مسعود سعد سلمان  
 (۴) نظام وفا، ملامحسن فیض کاشانی
- ۸- آرایه‌های مقابل کدام دو بیت، «کاملاً» درست است؟  
 الف) جام شراب مرهم دل‌های خسته است  
 ب) گره‌گشای دل تنگ نغمه چنگ است  
 ج) ای صبای بی‌مروّت برق تازی واگذار  
 د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین تر است  
 (۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د
- خورشید مومیایی ماه شکسته است (تشبیه، اسلوب معادله)  
 سهیل سیب زنخدان شراب گلرنگ است (جناس، تشبیه)  
 روح بیمار زلیخا هم‌ره پیراهن است (تلمیح، ایهام)  
 روح تلخ بحر از آب گهر شیرین تر است (ایهام تناسب، حس آمیزی)

- ۹- در کدام بیت «ایهام، تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟  
 (۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر  
 (۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه  
 (۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است  
 (۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه
- ۱۰- آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟  
 «به روز تیره ما صبح، شکر خنده‌ها دارد»  
 (۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص  
 (۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام  
 (۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی  
 (۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره
- ۱۱- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:  
 (۱) چه سان مژگان خونین گریه ما را نگه دارد  
 (۲) پهلوی به حیات ابدی می‌زند آن زلف  
 (۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی  
 (۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد بار
- ۱۲- در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد + مفعول + فعل» است؟  
 الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش  
 ب) نشستم تا برون آیی خرامان  
 ج) تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی  
 د) دوست دارد آن که داری دو ستش
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- ۱۳- تعداد «وابسته‌های وابسته» در کدام بیت، بیشتر است؟  
 (۱) آن که ناوک بر دل من زیر چشمی می‌زند  
 (۲) شهسوار من که مه آینه دار روی اوست  
 (۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست  
 (۴) شرح شکن زلف خم اندر خم جانان
- ۱۴- در کدام عبارت، واژه‌ای یافت می‌شود که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شده است؟  
 (۱) مردی به طلب درزی آمد و خبر مرگ درزی نداشت.  
 (۲) پس چون یک چند برآمد ملک روم خراج باز گرفت.  
 (۳) صحرا را دریایی دریافت در جوش و هوایی از بانگ اسبان با برگستان.  
 (۴) گروهی را گفت به دکان و بازار باشید و کار کنید و دبیران را گفت به دیوان نشینند.
- ۱۵- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب، کدام است؟  
 «من به غیر از تو کسی یار نگیرم آری همت آن است که الّا تو نگیرد یاری»  
 (۱) نهاد، مفعول، قید، نهاد  
 (۲) مفعول، مستند، قید، متمم  
 (۳) مفعول، بدل، شبه جمله، متمم  
 (۴) بدل، مفعول، شبه جمله، نهاد
- ۱۶- با توجه به رباعی زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست هستند؛ به جز:  
 «از باغ جمالت آگه ار بودی گل این راه پر از خار نپیمودی گل  
 با این همه خارها که در پی دارد چون آمد و چون رفت بدین زودی گل»  
 (۱) چهار ترکیب وصفی و یک اضافه تشبیهی در ابیات یافت می‌شود.  
 (۲) گل در دو مصراع نقش نهادی و در یک مصراع نقش مفعولی دارد.  
 (۳) سه مصراع به شیوه بلاغی و یک مصراع به شیوه عادی سروده شده است.  
 (۴) در رباعی فوق «سه جمله سه جزئی» و «دو جمله دو جزئی» یافت می‌شود.
- ۱۷- مفهوم کدام بیت با بقیه، متفاوت است؟  
 (۱) جوش فرهاد است از کهسار من سرچشمه‌ای  
 (۲) می‌کند در سینه گرمم قیامت، شور عشق  
 (۳) شور عشق من فلک‌ها را به چرخ آورده است  
 (۴) می‌فشانم نور خود بر تیره روزان بی‌دریغ
- شور مجنون گردبادی از بیابان من است  
 صبح محشر خنده چاک گریبان من است  
 کشتی افلاک بی‌لنگر ز طوفان من است  
 خرمن ماهم پریشانی نگهبان من است

- ۱۸- عبارت: «این صلت، فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟  
 (۱) گرفتمت که هزاران متاع از اینسان هست  
 (۲) به راحت نفسی رنج پایدار مجوی  
 (۳) نکنم رغبت دنیا که متاعی است قلیل  
 (۴) غایت کام و دولت است آن که به خدمت رسید  
 ۱۹- مفهوم کدام بیت در مقابل آن «غلط» آمده است؟  
 (۱) صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت  
 (۲) اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت گو  
 (۳) چرخ برهم زخم از غیر مرادم گردد  
 (۴) حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی است  
 ۲۰- کدام بیت با عبارات زیر، قرابت مفهومی دارد؟  
 «اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد.»  
 (۱) دلیر در سر بازار حشر خرج کند  
 (۲) شور سحر اگر باورتان نیست  
 (۳) زود باشد حشرشان در خاک با قارون شود  
 (۴) حلال و خوش خور و طاعت کن و دروغ مگوی  
 ۲۱- مفهوم بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟  
 «فرع‌ها را از رجوع اصل بیدل، چاره نیست  
 (۱) فرع را از اصل خویش آگاه باید زیستن  
 (۲) اصل است که فرع می نماید  
 (۳) مادر فرزند چوپان وی است  
 (۴) هین خمش کن به اصل راجع شو  
 ۲۲- همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:  
 «اولاً تجربید شو از هر چه هست  
 (۱) سرکوش هوس داری هوس را پشت پای زنی  
 (۲) بر سر کوی وصل تو مرغ صفت پریدمی  
 (۳) شمع سان پیشت بخواهم سوخت سرتاپا که من  
 (۴) گر تو سر خواهی ز من سر با تو بسپارم به چشم  
 ۲۳- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟  
 «گلّه ما را گلّه از گرگ نیست  
 (۱) دل به من گوید چون آب تو از سر بگذشت  
 (۲) مرا بگذشت آب و رفعت از سر  
 (۳) سخن هر چه گفتم همه خیره بود  
 (۴) زندگی در مردن و در محنت است  
 ۲۴- مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟  
 «گل اگر چه هست بس صاحب جمال  
 (۱) شد نخل ماتم از دم افسرده خزان  
 (۲) برگ گل لعل بود شاهد بزم بهار  
 (۳) می‌گرفتم تنگ اگر در غنچگی بر خویشتن  
 (۴) گل چو بر ناله مرغان چمن خنده زند  
 ۲۵- مفهوم کنایی بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟  
 «عقل میدان سخن بر عاقلان کرده است تنگ  
 (۱) نیست در روی زمین گوشی سزاوار سخن  
 (۲) گوهر شهوار مزد لب به جا و کردن است  
 (۳) نمی‌توان ز سخن ساختن خموش مرا  
 (۴) دهان مور را پر خاک دارد بی‌زبانی‌ها
- کدام حیلۀ کنی تا فروخت بتوانی  
 شب شراب نیرزد به بامداد خمار  
 شاهبازان به گه صید نگیرند مگس  
 بنده میان بندگان فخر کند به چاکری
- آه اگر عاطفت شاه نگیرد دستم (طلب دادخواهی)  
 سخن به خاک میفکن چرا که من مستم (مستی و راستی)  
 من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک (بلند نظری)  
 به ناله دف و نی در خروش و ولوله بود (آوازه محبت)
- گرفت هر که زر خویش را عیار امروز  
 گل مصحف صد برگ به سوگند گشوده است  
 این گران جانان که سیم و زر به روی هم نهند  
 بر این سه کار بری روز حشر گوی عمل
- راه‌ها سر بسته بود آخر به خود باز آمدیم  
 شیشه را سامان مستی غافل از خارا نکرد  
 زان اصل کسی گذر ندارد  
 اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است  
 دیده راجعون نمی‌خسبند
- وانگهی از خود بشو یک بار دست  
 در آن اندیشه یک رو شو دو عالم را قفایی زن  
 آه اگر نسوختی آتش هجر بال من  
 در فنای خویش می‌بینم بقای خویشتن  
 سر چه باشد هر چه دارم در نظر آرم به چشم
- کاین همه بیداد شبان می‌کند  
 روی بر خاک نه از جور وی و زار بنال  
 بر این حال مدارا نیست در خور  
 که آب روان از بنه تیهره بود  
 آب حیوان در درون ظلمت است
- حسن او در هفته ای گیرد زوال  
 تا راست کرد قامت خود را نهال گل  
 آب گلستان ببرد شاهد گل‌روی من  
 می‌توانستم چو گل مشت زری پیدا کنم  
 چه کند بلبل شب‌خیز که سودا نکند
- ورنه مجنون با در و دیوار می‌گوید سخن  
 چون نیندد طوطیان را زنگ در منقار حرف؟  
 این نصیحت را به خاطر از صدف داریم ما  
 که چون صدف ز دهان است رزق گوش مرا  
 مرا تیغ زبان چون مار بی‌زهار بایستی